

پیام به حجاج بیت‌الله الحرام

(۱۳۷۱/۳/۱۳ هـ ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَطْيَبِينَ

الطاهرين قال الله الحكيم:

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ رَبِّ

إِنَّهُمْ أَضَلُّونَ كَثِيرًا﴾.

﴿مِنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾.

شکری به وسعت دریای رحمت حق

اکنون که موسم حج فرا رسیده و نغمه لیک بر آمده از دل‌های مشتاق، فضای حریم امن الهی را انباشته است و ملت‌های مسلمان، از آفاق گسترده‌ی جهان، به میعاد ذکر و استغفار و قیام و اتحاد شتافته، و برادران مهجور، به یکدیگر رسیده‌اند، جبهه‌ی سپاس و خضوع به ساحت خدای عزیز و حکیم سوده، حمدی به عظمت صفات حسنی و شکری به وسعت دریای رحمت حق، نثار حریم حضرت احدیت می‌کنم، که یکبار دیگر به مسلمین مشتاق، توفیق این فریضه را عطا فرمود، و یکبار دیگر پرچم عزت و عظمت را بر فراز سر مسلمانان در خانه‌ی امن خود برافراشت و یکبار دیگر حجاج ایرانی را بر این سفره‌ی رحمت و عظمت نشانید. زبان و قلم از توصیف و تقدیر این نعمت بزرگ، قاصر است، خدا کند که نور معرفت بر دل‌های روشن شما حج‌گزاران بتابد و حقیقت، بی‌واسطه‌ی حرف و گفت، در جان مشتاق شما متجلی گردد.

حج؛ نعمتی الهی برای مسلمانان

نکنه‌ی مهمی که این جانب می‌خواهم به شما برادران و خواهران از هر کشور و ملت که هستید بگویم این است که حج، نعمتی الهی است که بر نسلهای مسلمان ارزانی شده است. قدردانی و شکرگزاری، آن را زیاد می‌کند و ناسپاسی و قدرناشناسی، آن را از مسلمین می‌گیرد که این همان عذاب شدید الهی است که: ﴿وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾.

گرفته شدن حج به این نیست که از مسلمانان کسی به حج نرود، بل به این است که مسلمانان از منافع بی‌شمار آن محروم بمانند و زیاد شدن آن به این نیست که هر سال گروه‌های بیشتری حج کنند، بل به این است که از منافع آن بهره‌مند شوند که: ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾. خوب است به درستی بیندیشیم، آیا جهان اسلام توانسته است از منافع حج برخوردار شود؟ و اساساً این منافع چیست؟

منافع حج درست برای مسلمانان

حج درست می‌تواند تحولی درونی در یکایک مسلمین پدید آورد و روح توحید و ارتباط با خدا و اعتماد به او و رده‌های بت‌های درون و برون وجود آدمی که همان هواها و هوسهای پست‌کننده و قدرتهای اسیرکننده‌ی آدمی‌اند، و نیز احساس قدرت و اعتماد به نفس و رستگاری و فداکاری در آنان پدید آورد، و چنین تحولی است که از هر انسانی، موجودی شکست‌ناشناس و تهدید و تطمیع‌ناپذیر می‌سازد.

و نیز حج درست می‌تواند از اعضای جدا افتاده‌ی امت اسلامی، پیکره‌ی واحد و کارآمد و نیرومند بسازد، آنان را با هم آشنا و از حرفها و دردها و پیشرفتها و نیازهای یکدیگر، آگاهشان کند و تجربه‌های آنان را متبادل سازد. اگر حج با توجه به این هدفها و نتایج برنامه‌ریزی می‌شد، و در این برنامه‌ریزی دولتها و علما و صاحب‌نظران و روشنفکران جهان اسلام، همکاری می‌کردند، ثمرات گرانبهایی نصیب امت اسلامی می‌گشت که با هیچ دستاورد دیگری در دنیای اسلام قابل مقایسه نبود. به جرأت می‌توان گفت همین یک تکلیف اسلامی اگر درست و چنانکه شریعت اسلام خواسته است

مورد بهره‌برداری قرار گیرد، پس از زمانی نه چندان بلند، امت اسلامی را به عزت و قدرتی که در خور آن است خواهد رسانید.

فاصله شکل کنونی حج با وضعیت مطلوب آن

باید با تلخی اذعان کرد که شکل کنونی انجام این فریضه‌ی الهی، با وضعیت مطلوب آن فاصله‌ی زیادی دارد. امام راحل عظیم، تلاش مؤثری در این جهت مبذول داشت و تصویر روشنی از حج ابراهیمی، حج عظمت و عزت آفرین، حج سازنده و تحول دهنده، در برابر چشم امت اسلامی قرار داد و همین اندازه تا کنون منشأ برکات فراوانی در جهان اسلام شده است، لیکن با این همه گسترش این اندیشه و این نحوه‌ی عمل بر همه‌ی ملت‌های مسلمان نیاز به مجاهدت مخلصانه‌ی علمای دینی و روش‌بینی و مساعدت دولتمردان همه‌ی کشورهای اسلامی دارد، و امید است که این وظیفه‌ی بسیار اساسی مورد توجه و عمل آنان قرار گیرد.

برآورد موقعیت جهان اسلام

اکنون بجاست که با استفاده از این فضای معطر اخوت و به عنوان ادای بخشی از وظایفی که حج بر دوش ما می‌نهد، نگاهی به جهان اسلام افکنده و موقعیت آن را با توجه به حوادثی که پس از حج گذشته تا امروز در سراسر جهان پیش آمده، برآورد نماییم و وظایف خود را در این مجموعه باز یابیم.

حوادث یکسال گذشته از جمله‌ی مجموعه حوادث نادری است که کمتر زمانی به این کوتاهی را در تاریخ به یاد داریم که این همه حوادث بزرگ را در خود جای داده باشد.

در رأس این حوادث، فروپاشی ابرقدرت شرق و نابودی قدرت غول‌آسایی است که دهها سال، یکی از دو سلطه‌ی عظیم سیاسی و نظامی و تبلیغاتی جهان، به شمار می‌رفت. اضمحلال امپراتوری پهناوری با قدرت نظامی افسانه‌یی و دسترسی به سلاح اتمی و همه‌گونه وسیله و امکان برای سلطه و نفوذ در دیگران، در محاسبات معمولی و

مادی در شمار کارهای محال است. اما این حادثه اتفاق افتاد و نادرستی محاسبات مادی یکبار دیگر ثابت شد.

گسیخته شدن بلوک شرق، دگرگونی فاحش جغرافیایی سیاسی در اروپا، سر برآوردن ملتها و کشورهایی که سالیان متمادی بزور و غضب، در تصرف بیگانگان یا زیر نفوذ آنان بودند، نیز از جمله‌ی این حوادث شگفت آور است.

به همین اندازه جالب و هیجان‌انگیز است پیروزی انقلاب اسلامی در افغانستان و به قدرت رسیدن ملتی که چهارده سال با غربت و مظلومیت و فقر مادی ولی با ایمان عمیق به اسلام، بار جهادی پر مرارت را بر دوش کشید، و نیز پدید آمدن چند کشور مسلمان مستقل در آسیای میانه با ملت‌هایی که علیرغم تبلیغات زهر آگین هفتاد ساله‌ی کمونیستها و علیرغم تلاش پس‌مانده‌های آن دوران که هرگز با اسلام آشتی نکرده‌اند و نخواهند کرد، ندای اسلام سرداده و به مسلمانی خود افتخار می‌کنند و در پی تحقق بخشیدن به احکام اسلامی هستند و نیز پدید آمدن حداقل دو کشور مسلمان در اروپا یعنی بوسنی و هرزگوین و آلبانی که هم اکنون موجب دغدغه‌ی دولتهای اروپایی شده است.

و نیز از نوعی دیگر، پیروزی گروههای اسلامی در الجزائر در انتخاباتی آزاد و با روش منطبق بر معیارهای دموکراسی که مایه‌ی امید و تفاخر همه‌ی مسلمانان و حاکی از عمق ایمان اسلامی در آن ملت مجاهد و مجرب بود، و در عظمت آن همین بس که قدرتهای ضد اسلامی و مرتجعین منطقه را به یک اندازه مشوش کرد، تا آن‌جا که با کودتای مزورانه، بر روی آن حرکت اسلامی سرپوش نهادند و فعلاً آن را مهار کرده و به بند کشیده‌اند، و البته هر روشن‌بین به وضوح درمی‌یابد که تا زمان درازی نخواهند توانست به این وضع ادامه دهند.

باری، سال گذشته‌ی ما سرشار از چنین حوادث کم‌نظیر و شگفت آور بود، و به جز آن، رشد حرکت‌های اسلامی و بیداری مسلمین و اصرار آنان بر بازیافتن هویت اسلامی و مبارزه با قدرتهای قلدر و معارض، در بسیاری از مناطق عالم بخصوص در فلسطین عزیز و برخی کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه نیز از کمیزات برجسته‌ی این سال بود.

وضعیت جدیدی برای اسلام و مسلمین

این حوادث مهم و عبرت‌انگیز که بسیاری از آنها بی‌واسطه یا با واسطه از اسلام، متأثر بوده است، بر روی هم وضعیت جدیدی را برای اسلام و مسلمین به وجود آورده که وظیفه‌ی همه‌ی ملت‌های اسلامی است آن وضعیت را درست بشناسند و بدون فوت وقت نسبت به آن، موضعی یکپارچه و متین و منطبق با محاسبه اتخاذ کنند.

این وضعیت جدید دارای دو بخش یا دو عنصر است: اول این که تفکر اسلامی و هویت اسلامی در گستره‌ی جهان، از شوکت و عزت و نشاط بیشتری برخوردار گشته و اسلام به صورت یکی از برجسته‌ترین حقایق موجود عالم، در سرتاسر جهان مطرح گردیده است.

و دوم آن که قدرت‌های مسلط جهان در موضع صریحتری از خصومت نسبت به اسلام و مقاصد اسلامی قرار گرفته‌اند، و تحقیقاً یکی از فصول اصلی در نظم نوین پیشنهادی امریکا برای جهان پس از سقوط کمونیسم، فصل اسلام‌زدایی و مقابله‌ی با رشد روزافزون حرکت‌های اسلامی است.

هرکس اظهارات و اقدامات سردمداران رژیم امریکا را درباره‌ی اسلام، و نهضت‌های اسلامی معاصر، و کشورها و ملت‌هایی که دم از گرایش به اسلام می‌زنند و مدعی یا آرزومند تشکیل نظام اسلامی‌اند، تعقیب کند از عمق کینه‌ی تمام‌نشده‌ی به اسلام و نظام اسلامی اطلاع می‌یابد.

در حوادث جاری عالم نیز شواهد متعددی را بر این مدعا می‌توان مشاهده کرد که از جمله‌ی تلخترین و غم‌انگیزترین آنها، حوادث جاری در بوسنی و هرزگوین و نیز جنگ‌های خانگی در قره‌باغ و منطقه‌ی عمومی قفقاز است. سرکوب خونین و قساوت‌آمیز مسلمانان در سارایوو که در قلب اروپای به اصطلاح متمدن جریان دارد به قدری خشن و وحشیانه است که آدمی را به یاد قتل عام‌های معروف اروپا در قرون وسطی و در جنگ‌های مذهبی و نژادی این قاره‌ی جنگ‌طلب می‌اندازد، با این تفاوت که امروز صرب‌های یوگسلاوی سابق، برای کشتار دست‌جمعی مسلمانان از ابزارهای جنگی مدرن استفاده می‌کنند! با این حال این دولتها که به بهانه‌ی حقوق بشر در کار کشورهای

دور دست هم دخالت و اعمال نظر می‌کنند در برابر این فجایع دست روی دست گذارده‌اند. امریکا و کشورهای اروپایی در همین منطقه و نسبت به جمهوریهای دیگر همان کشور سابق، آن‌جا که پای مسلمانان در میان نبود به طور قاطع از پیش آمدن چنین کشتارهایی جلوگیری کردند. در منطقه‌ی قفقاز نیز دولتهایی که می‌توانستند با اعمال فشارهای معمول، مانع از کشتار مسلمانان قره‌باغ شوند، نه تنها اقدامی جدی نکردند و بلکه تلاش میانجی‌گرانه‌ی جمهوری اسلامی را هم آماج توطئه و مخالفت خود ساختند و بی‌علاقگی خود را به سرنوشت ملت تازه استقلال یافته‌ی قفقاز، ثابت کردند.

ارتباطات فشرده‌ی امریکا و عواملش با دولتهای تازه مستقل آسیای میانه برای ترساندن آنان از گرایش‌های اسلامی و آنچه آنان نام بنیادگرایی بر آن می‌نهند موضعگیری‌های خصمانه‌ی آنان در برابر بیداری اسلامی در همه‌جا و بطور نمونه‌یی بارز با حرکت سیاسی پیروزمندانه‌ی مسلمانان در الجزایر، رفتار حيله‌گرانه و غدراًمیز آنان با ملت عراق و افکندن آنان در وضعیت غم‌انگیز و مظلومانه‌ی کنونی، دشمنی عنادآمیز آنان با زمامداران سودان که صرفاً عکس‌العمل‌گرایش اسلامی آنان است و دهها نمونه‌ی دیگر در سرتاسر جهان، مجموعاً شواهد انکارناپذیری بر خصومت علنی امریکا و دیگر سلطه‌گران نسبت به اسلام و بیداری اسلامی و بازیافتن هویت اسلامی از سوی مسلمین جهان است.

وظیفه‌ی مسلمین در برابر موضع عنادآمیز استکبار

ملت‌های مسلمان باید به این سؤال پاسخ دهند که وظیفه‌ی مسلمین در برابر این موضع عنادآمیز و کینه‌توزانه چیست؟ شک نیست که قلدران عالم فقط به احساسات خصمانه اکتفا نمی‌کنند، و از همه‌ی امکانات مالی و سیاسی و تبلیغاتی و اگر بتوانند، نظامی خود برای اعمال دشمنی استفاده خواهند کرد، همچنان‌که تا کنون کرده‌اند. و ملت ایران در طول سالیان پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز، این دشمنی‌ها را تجربه کرده و امت بزرگ اسلامی شاهد کینه‌توزی استکبار جهانی با ایران اسلامی یا سایر نمونه‌های حرکت اسلامی در نقاط دیگر جهان بوده است.

شک نیست که بی تفاوتی ملت‌های مسلمان در برابر این وضع، دشمن را تشویق می‌کند و صحنه را هر روز بر مؤمنین به اسلام تنگتر می‌سازد. مسلمانان باید نشان دهند، که جهان اسلام دارای قدرت برخوردار است و می‌تواند در برابر تجاوز و دشمنی امریکا و هر متجاوز دیگری بایستد، تا کنون همه‌ی لطمات جبران‌ناپذیری که به امت اسلامی از سوی استعمارگران دیروز و مستکبران امروز وارد شده، عمدتاً ناشی از ضعف نفس و ضعف روحیه‌ی دولتها یا ملت‌ها بوده است. ایستادگی ملت‌ها، دشمن را به ستوه می‌آورد و او را در رسیدن به هدفهای متحیرانه‌اش نا کام می‌سازد. اگر رهبران و ملت فلسطین، همین شجاعت فداکارانه‌ی را که امروز انتفاضه‌ی اسلامی در برابر صهیونیست‌ها از خود نشان می‌دهد، در آغاز تشکیل دولت غاصب صهیونیست نشان می‌دادند، این سرنوشت مرارتبار و زهرآگین برای فلسطین رقم نمی‌خورد، و اگر امروز سران نهضت‌های اسلامی و مردم مؤمن، سختی‌های مبارزه را بر خود هموار کنند بی‌گمان امت اسلامی، آینده‌ی شیرینی را به دست خواهد آورد.

استکبار در تعرض خود به مسلمانان حدی نمی‌شناسد

استکبار در تعرض خود به ملت‌های مسلمان، حدی نمی‌شناسد. امروز صهیونیست‌های غاصب و امریکا به عنوان حامی همه‌جانبه‌ی آنها تا آنجا پیش رفته‌اند که حتی ملیت فلسطینی را هم انکار می‌کنند و حقیقتی به نام ملت فلسطین را نمی‌شناسند. در حالی که ملت فلسطین، ملتی است با ریشه‌های عمیق تاریخی و پیوندهای انکارناپذیر جغرافیایی، و آن‌که نه ریشه‌ی تاریخی دارد و نه رابطه‌ی جغرافیایی، ملت جعلی و دروغین اسرائیلی است.

در کشورهای اسلامی که مردم با ایمانی ناگسستی به اسلام وابسته‌اند - از قبیل جمهوریهای تازه استقلال یافته که علیرغم هفتاد سال تلاش اسلام‌زدایی کمونیست‌ها، با گرمی و هیجان از حاکمیت اسلامی سخن می‌گویند - قدرتهای ضداسلامی تا آنجا پیش می‌روند که از خطر اسلام‌گرایی در این کشورها سخن می‌گویند و شیرین‌ترین دلبستگی‌های آنان را به عنوان خطر قلمداد می‌نمایند.

این گستاخی استکبار و عوامل آن، با یک اراده‌ی عمومی و یک اقدام هماهنگ از سوی ملت‌ها و آحاد مردم مسلمان باید پاسخ داده شود و شر توطنه‌های استکبار از سر ملت‌های مسلمان برطرف شود. کوتاهی دولتهای اسلامی در مبارزه با رژیم غاصب اسرائیل، امریکا را به راه‌انداختن مذاکرات مستقیم اعراب و اسرائیل تشویق کرد و متأسفانه برخی از سران عرب بی آن‌که به ابعاد بسیار وسیع این ضربه‌ی استکباری توجه کنند، تن به این خفت دادند. نتیجه این شد که دولت غاصب اسرائیل به هدف خود یعنی شناخته شدن از سوی کشورهای عرب رسید؛ بدون این‌که سر سوزنی از مواضع متجاوزانه‌ی خود عقب‌نشینی کند.

اکنون صهیونیست‌ها علاوه بر ترور و آدم‌ربایی و غضب سرزمینهای فلسطین و لبنان و سرکوب فلسطینیان و کشتارهای جمعی و سایر جنایات هولناک خود در گذشته، به طور روزانه روستاهای جنوب لبنان را با حملات هوایی خود با خاک یکسان می‌کنند و با اعتماد به این‌که هرگز فشاری از سوی امریکا و اروپا بر آنان وارد نخواهد شد، خشن‌ترین جنایات را نسبت به مردم آن منطقه مرتکب می‌شوند. مذاکرات عربها با اسرائیل حتی نتوانسته از ادامه‌ی تجاوز و جنایات صهیونیستها جلوگیری کند. این نمونه‌ی بود از عقب‌نشینی‌هایی که دشمن را طلبکارتر و گستاخ‌تر می‌سازد.

قدرت ملت‌های مسلمان

این جانب نظر رؤسای کشورهای اسلامی را به قدرت عظیمی که در اختیار آنان است جلب می‌کنم، و آن قدرت ملت‌های مسلمان است. با پشتوانه‌ی این قدرت شکست‌ناپذیر، دولتهای اسلامی می‌توانند در برابر ابرقدرت امریکا که امروز جبهه‌ی ضد اسلامی استکبار را سرپرستی می‌کند، بایستند و از حق ملت‌های خود و نیز از ملت‌های مسلمان مظلوم دفاع نمایند. اسلام بهترین تضمین برای اداره‌ی زندگی یک ملت است و در سایه‌ی آن، ملتها می‌توانند طعم آزادی و استقلال کامل را بچشند و از آن بهره‌مند شوند، و ایمان اسلامی آحاد مردم در کشورهای مسلمان‌نشین، بهترین پشتوانه برای چنین منظوری است.

انتظار از دولتهای مسلمان آن است که به جای ترس و واهمه از اسلام - که امریکا و دیگر سردمداران استکبار سعی فراوان بر القای چنین ترس و واهمه‌یی در سران کشورهای اسلامی دارند - به این آیین الهی به چشم نجاتبخش ملت‌های خود و به مثابه‌ی پیوندی میان ملت‌های مسلمان یعنی اجزای امت اسلامی نظر کنند و با آن برای خود قدرت و عزت فراهم آورند.

این خود قوی‌ترین وسیله برای جلب و پشتیبانی ملت‌ها است، و دولتی که ملت خود را پشت سر داشته باشد می‌تواند از هیچ تهدیدی نترسد.

بازگشت به اسلام و زندگی در نظام اسلامی

به ملت‌های اسلامی و آحاد مردم مسلمان نیز عرض می‌کنم که علاج همه‌ی دردها و ناکامی‌های ملل مسلمان، بازگشت به اسلام و زندگی در نظام اسلامی و زیر سایه‌ی احکام اسلامی است. این آن چیزی است که عزت و قدرت و برخوردارگی از نعم بزرگ امنیت و رفاه را به مسلمانان برمی‌گرداند و سرنوشت تلخ و ذلت‌آمیزی را که طراحان استکبار برای امت مسلمان تدارک دیده‌اند، از آنان دور می‌سازد.

تبلیغات استکباری بر ضد اسلام که بخشی از حمله‌ی صلیبی جدید است، چنین وانمود می‌کند که اسلام قادر بر سازمانده‌ی زندگی سیاسی و اقتصادی ملت‌های مسلمان نیست و ملت‌های مسلمان چاره‌ای جز این ندارند که با معیارها و شکل و محتوای حکومتها و نظام‌های سرمایه‌داری غرب زندگی کنند. این یک ترفند و دروغ مزورانه است که برای وابسته کردن کشورهای اسلامی به اردوگاه استکباری غرب و استثمار منابع مادی آن طراحی شده و سالها است تبلیغ می‌شود. نظام سرمایه‌داری غرب تا گلو در مشکلات انسانی لاینحل فرو رفته و با وجود ثروت‌های فراوانی که در اختیار دارد، از استقرار عدالت اجتماعی بکلی ناتوان مانده است. شورش اخیر سیاهان در امریکا نشان داد که نظام امریکا نه فقط نسبت به ملت‌های آسیا و آفریقا و امریکای لاتین، که نسبت به ملت خود نیز با بی‌عدالتی عمل می‌کند و در این جا نیز مانند آن‌جاها، اعتراض را با خشونت و سرکوب پاسخ می‌دهد. درست است که اردوگاه کمونیزم متلاشی و نابود شد، اما رقیب

آن یعنی اردوگاه سرمایه‌داری هم با وضع فعلی و بخصوص با غرور و طغیانی که پس از یکه‌تاز شدن در میدان قدرت، بدان دچار شده ماندنی نیست و دیر یا زود دنیا شاهد سقوط و تلاشی آن نیز خواهد بود.

اسلام قادر است که مسلمانان و همه‌ی انسانیت را نجات دهد، مشروط بر آن‌که درست شناخته و سپس درست به آن عمل شود. نظام اسلامی در ایران به فضل الهی مظهر اقتدار و توانایی‌های اسلام و تجربه‌ی مجسم برای مسلمانان است. و این در حالی است که از عمر سیزده ساله‌ی آن، هشت سالش در جنگی که با برنامه‌ریزی و کینه‌توزی استکبار شرق و غرب بر آن تحمیل شده بود، گذشت و پیش از آن و بعد از آن تا امروز هم بی‌وقفه آماج دشمنی‌ها و خباثت‌های اردوگاه‌های دشمن قرار داشته است.

امام خمینی عظیم (قدس‌الله‌فسه‌الزکیه) ملت ایران را بیدار و مسلح به عزم پولادین و عمل مخلصانه کرد، و این راه هم اکنون در برابر همه‌ی ملت‌ها قرار دارد.

دولت‌های اسلامی از آمریکا نترسند

همه‌ی آنچه از دولت‌های مسلمان انتظار می‌رود، با اراده و خواست ملت‌های آنان قابل تحقق است. شما باید از دولت‌های خود، مقابله با صهیونیسم و استکبار، و دفاع از مسلمانان مظلوم سراسر عالم و یکپارچگی و برادری با ملت‌ها و کشورهای مسلمان دیگر را طلب کنید و در راه این هدف‌های عالی، پشتیبان دلسوز و فداکار آنان باشید.

شما باید به آنان بقبولانید که از آمریکا نترسند و در مقابل قلدری‌های آن بایستند. و شما باید به آنان تفهیم کنید که اسلام و قرآن تنها راه نجات است و آنان را به حصار مستحکم لاله‌الاله سوق دهید.

و در این وظیفه‌ی بزرگ، علمای دین، روشنفکران، خطباء، هنرمندان، دانشجویان و جوانان دارای نقش و مسؤولیت سنگین‌تری می‌باشند، و زنان نیز مانند مردان و دوشادوش آنان در این وظیفه سهمین‌اند. این است آنچه دعای ابراهیم خلیل علیه‌السلام را در حق همه‌ی شما مستجاب می‌کند و شما را با پیوند الهی به آن مُنادی بزرگ توحید متصل می‌سازد. در پایان به حجاج محترم ایرانی توصیه می‌کنم که از این فرصت ارزشمند برای

تزکیه‌ی نفس و ارتباط با خدا و توبه و انابه به حضرت حق و تحصیل رستگاری روحی حداکثر استفاده را بکنند، و از دعا و تضرع و تفکر و تصفیه‌ی روح، لحظه‌ی غفلت نکنند و نگذارند که خدای نخواستہ مظاهر بی‌ارزش مادی که همه جا نظائر آن رامی‌شود یافت، چشم و دل آنان را به خود جذب کند و این روزها و ساعت‌های استثنایی را که مخصوص معنویت و تکمیل نفس و تربیت روح و ارتباط با برادران مسلمان است، به بیهودگی از آنان بریابد.

خداوند همه‌ی شما را مشمول تفضلات الهی و توجهات و ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت ولی‌عصر (ارواح‌نفاذ) قرار دهد.

وَ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ

علی‌الحسینی‌الخامنه‌ئی

اول ذی‌حجۃ‌الحرام ۱۴۱۲